

www.ketab.ir

سوره

سرشناسه: نوری، مهدی، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور: آقا مصطفی: چند برگی از زندگی و شهادت دانشمند شهید

مصطفی احمدی روشن / مولف مهدی نوری، احسان ترابی.

مشخصات نشر: تهران: یاران شاهده ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص: مصور (بخشی رنگی) ۱۹x۷/۵ س.م.

شابک: ۲۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۶۵۶-۸-۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: چند برگی از زندگی و شهادت دانشمند شهید مصطفی احمدی روشن.

موضوع: احمدی روشن، مصطفی، ۱۳۵۸ - ۱۳۹۰.

موضوع: سازمان فرهنگی آقی ایران -- شهیدان

شناسه افزوده: ترابی، احسان، ۱۳۶۲ -

رده بندی کنگره: DSR۱۶۶۸ ۱۳۹۱ ۹۱۲۶ الف /

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴-۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۹۲-۰۷



چند برگی از زندگی و شهادت دانشمند شهید مصطفی احمدی روشن

مؤلف:	مهدی نوری / احسان ترابی
کرافیک:	علی باقری
شمارگان:	۵۵۵۳ جلد
ناشر:	یاران شاهده
چاپ و صحافی:	کونو
قیمت:	۱۶۰۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۱

اشاره:

گفتند طلب علم واجب است،
اما نگفتند چرا،
تا ما خودمان چشم و گوش باز کنیم و در اعصار مختلف،
چراهای مختلفش را ببینیم.
در یک عصر، علمی را که ناجی دینمان بود،
در عصری دیگر ناجی حریت و آزادی‌مان،
و امروز استقلالان:
که هم نگهبان دینمان است و هم نگهبان حریت و آزادی‌مان.

وقتی این همه ارزش در گرو علم است، آیا ارزش و جایگاه
«مداد العلما افضل من دمء الشهداء» بر کسی پوشیده
می‌ماند؟

ارزش کسی که هم بر مسند علم نشسته و هم می‌ظهور
شهادت را لاجرعه سرکشیده چطور؟
ما محرومان درک مقام فقاہت و شهادت، در وصف شهیدان
سنگر علم چه می‌توانیم بگوییم، جز سکوت؟

حکایت آقا مصطفی
حکایتی چنین است!

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبُهُ
وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا [الاحزاب. ۳۳]

مثل آن وقت‌ها که هر روز شهیدی توی کوچه‌پس‌کوچه‌ها تشیع می‌شد. آقا مصطفی که شهید شد، حال و احوال شهر ما هم تغییر کرد. عده‌ای دوربین کول گرفتند و افتادند پی مستندسازی ماجرا. کسانی مجلس یادبود گرفتند. شاعرانی شعر گفتند. روزنامه‌نگارانی تیتر و مصاحبه تنظیم کردند. تصویرگران پوستر و بتر ساختند. ما هم شديم قلم‌دار! مهم نبود که کی چه کار می‌کند و خوب می‌شود کارها یا نه! مهم این بود که هیچ کس به هیچ کس تکلیف نکرد که بنشین و یک کتاب و الخ بساز! هرکس هرکاری کرد، مثل همان سال‌ها برای دل خودش کرد.

ما دو تا هم از بهت خبر که درآمدیم هرچه خبر و متن منتشر شده در کنج و گوشه‌ای بود جمع کردیم. بعد بدون اینکه تقسیم کار کنیم، نشستیم به بازنویسی. بنا را هم گذاشتیم بر اختصار یا آنگونه که بعضی می‌گویند: میسای مال، البته بی هیچ ادعایی در بلدیش. نتیجه کار بدک نشد، مرتب و نامرتب چیدیم کنار هم. شد این کتاب کوچک. کاش وقت و مجال بیشتری داشتیم و یک کارستان در شان آقا مصطفی راه می‌انداختیم. نشد. حلال بفرمایید.